

مریم مقدس به متروی تهران آمد

# ایستگاه ادیان



**فاطمه قدیری**  
*خبرنگار گروه جامعه*

در میان یکی از شلوغ‌ترین بخش‌های تهران، جایی میان خیابان کریم‌خان زند و استاد نجات‌اللهی، ایستگاهی ساخته شده که هم به لحاظ فنی یکی از مهم‌ترین طرح‌های خط ۶ مترو به‌شمار می‌آید و هم به دلیل نام و موقعیتش، ابعادی فراتر از یک پروژه عمرانی یافته است. «ایستگاه مریم مقدس» که پس از سال‌ها کار مستمر حالا آماده بهره‌برداری است، به‌عنوان نمادی از احترام متقابل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان در پایتخت دیده می‌شود. عملیات اجرایی این ایستگاه نزدیک به یک دهه پیش آغاز شد و پس از فرازوفرودهای مالی و فنی در آستانه بهره‌برداری است. موقعیت مکانی ایستگاه، در میانه دو ایستگاه برمسافر میدان هفتم‌تیر و میدان حضرت ولی‌عصر (عج) است که به آن جایگاهی ویژه در شبکه مترو بخشیده است. از سوی دیگر، قرارگرفتن آن در محور فرهنگی خیابان کریم‌خان و در مجاورت کلیسای جامع سرکیس مقدس ارامنه، باعث شده نام و طراحی این ایستگاه اهمیتی دوجندان بیابد. تهران با جمعیتی عمدتاً مسلمان، حالا در یکی از المان‌های اصلی شهرسازی خود مکانی ساخته که به احترام حضرت مریم (س) نامگذاری شده؛ چهره‌ای که هم در قرآن سوره‌ای مستقل به نام او اختصاص یافته و هم در آیین مسیحیت جایگاه مادرانه و قدسی دارد. انتخاب چنین نامی، تصمیمی صرفاً اداری یا نمادین نیست؛ بلکه حرکتی فرهنگی است که در امتداد مفهوم هم‌زیستی دینی در متن زندگی شهری تفسیر می‌شود. ایستگاه مریم مقدس نه فقط از نظر فنی بخشی از طرح توسعه متروی تهران است، بلکه از حیث فرهنگی نخستین تجربه رسمی تلفیق نمادهای مسیحی و اسلامی در معماری یک فضای عمومی در پایتخت محسوب می‌شود. در دیوارنگاره‌ها و بخش‌های تزئینی ایستگاه، ترکیبی از نمادهای مسیحی و عناصر هندسی ایرانی – اسلامی به چشم می‌خورد. تندیس‌هایی از حضرت مریم و حضرت عیسی (ع) در حالت برکت دادن، در کنار خطوط خوشنویسی شدهٔ آیات قرآنی و نقش مایه‌های معماری کلیساهای ارمنی، فضایی سساخته‌اند که به‌جای تقابل، بر احترام و وحدت تأکید دارد. این نخستین بار است که در شبکه متروی تهران، نمادهای مسیحی در طراحی فضا به‌صورت رسمی حضور یافته‌اند؛ اتفاقی که از منظر فرهنگی و شهری کم‌سابقه محسوب می‌شود؛ اما اهمیت این اتفاق در لایه‌ای فراتر از معماری نهفته است. جامعه مسیحیان ایران با جمعیتی بیش از ۱۰ هزار نفر از قرن‌ها پیش بخشی از ساختار فرهنگی، آموزشی و اقتصادی پایتخت بوده‌اند. کلیسای سرکیس، مدارس ارامنه و نشریات مستقل آنان در تهران، جلوه‌هایی از این حضور ماندگارند. حال، ایستگاهی که در چندقدمی همان کلیسا قرار دارد و به نام مریم مقدس خوانده می‌شود، درواقع بازتابی از همان استمرار تاریخی است؛ تداوم حضوری که قانون اساسی جمهوری اسلامی آن را به رسمیت شناخته و برایش نماینده‌ای در مجلس شورای اسلامی تعیین کرده است.

حسن وقبح ماجرای اعتراف شکوری

# رستگاری در «اوتاوا»؟



**زینب مرزوقی**  
*خبرنگار گروه جامعه*

سه‌شنبه هفته گذشته قسمت چهارم و ششم برنامه «اکون» منتشر شد. پیش از انتشار این قسمت، اگانت‌های این برنامه برای معرفی و رونمایی از نام هممان قسمت جدید، پست‌های مختلفی منتشر کردند. بالاخره روز موعود فرا رسید و مشخص شد که مجتبی شکوری هممان سروش صحت در این قسمت است. او نام آشنایی برای طرفداران برنامه «کتاب باز» است. کسانی که تا به حال گفت‌وگوهای صحت و شکوری را هم در کتاب باز ندیده‌اند، قطعاً به ریزهای ویرال شده در فضای مجازی از آن برخورده‌اند و احتمالاً می‌دانند شکوری در جایگاه مصاحبه‌شونده درحال چیدن جملاتی با محتوای انگیزشی یا عشق و محبت و دوستی و زندگی است. با شور و حرارتی که عوامل برنامه اکنون در تلاشند از پشت اینچ‌های ریز گوشی موبایل یا تلویزیون، شکوری وارد می‌شود و سروش صحت از او استقبال می‌کند. در همان دقایق ابتدایی، شکوری می‌گوید برای مدتی به خارج از کشور مهاجرت کرده است. صحت هم از آدم‌هایی می‌گوید که مهاجرت کرده‌اند، کسانی که دلشان می‌خواهد بروند، آدم‌هایی که رفته‌اند و دلشان هنوز در وطن است و کسانی که اصلاً قصدی برای مهاجرت ندارند. شکوری در ایسن گفت‌وگوی شکل گرفته،



### «ایستگاه «مریم مقدس (س)» چهره فرهنگی کریم‌خان را کامل می‌کند

حمید هیدران، مدیر روابط‌عمومی و امور بین‌الملل شرکت مترو تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» و در خصوص این ایستگاه مترو اظهار داشت: «عملیات اجرایی ایستگاه حضرت مریم، از حوالی سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ آغاز شده و امروز به‌عنوان بیست‌وپنجمین ایستگاه از خط ۶ متروی تهران در آستانه بهره‌برداری قرار دارد. دلیل نام‌گذاری این ایستگاه، درخواست خلیفه‌گری کلیسایی بوده که در همان خیابان کریم‌خان قرار دارد. این درخواست از سوی کلیسای جامع ارامنه به دفتر شهردار تهران ارائه شد و شهرداری تهران نیز به احترام جامعه ارامنه و به‌اساس حرمت و منزلت حضرت مریم (س) با این پیشنهاد موافقت کرد. درنتیجه، نام ایستگاه به «مریم مقدس (س)» تغییر یافت. باتوجه به موقعیت مکانی ایستگاه و مجاورت آن با کلیسای جامع ارامنه، تیم معماری تلاش کرد تا طراحی ایستگاه در تجانس با المان‌های معماری همان کلیسا باشد. این موضوع بازتاب گسترده‌ای در داخل و خارج از کشور، به‌ویژه در اروپا و آسیای مرکزی، داشته و نشان‌دهنده توجه و احترام مسئولان کشور به ادیان مختلف است. زیربنای ایستگاه مریم مقدس (س) حدود ۷۲۰۰ مترمربع است. این ایستگاه ۱۲ پله‌بری دارد و در عمق حدود ۴۰ متری از سطح زمین ساخته شده است. این ایستگاه، بیست‌وپنجمین ایستگاه از خط ۶ و صدوشصت‌ویکمین ایستگاه در شبکه متروی تهران به‌شمار می‌آید. ایستگاه حضرت مریم مقدس (س) در محور فرهنگی خیابان کریم‌خان قرار گرفته است؛ محوری که به دلیل وجود مراکز فرهنگی، هنری و فروشگاه‌های خاص، به این نام شناخته می‌شود. این ایستگاه درواقع مکمل چهره فرهنگی خیابان کریم‌خان خواهد بود. در حال حاضر، بدنه اصلی هفت ایستگاه از خط ۶ تکمیل شده و با ساخت دو تا سه ایستگاه دیگر، این خط به بهره‌برداری کامل می‌رسد. در طراحی خطوط جدید مترو (خطوط ۸ تا ۱۱) نیز رویکرد معماری ایرانی – اسلامی با استفاده از المان‌های مدرن دنبال خواهد شد. تجربه موفق معماری نوین در برخی ایستگاه‌های اخیر، مبنای کار در این خطوط جدید قرار گرفته است. در حال حاضر، ایستگاه مریم مقدس (س) در مرحله نازک‌کاری و بازآرایی محوطه پیرامونی قرار دارد. باتوجه به پیشرفت پروژه، پیش‌بینی می‌شود ظرف ۱۰ روز آینده این ایستگاه آماده افتتاح رسمی باشد.»

### «متروی تهران روایت رسانه‌های غربی را فرومی‌ریزد

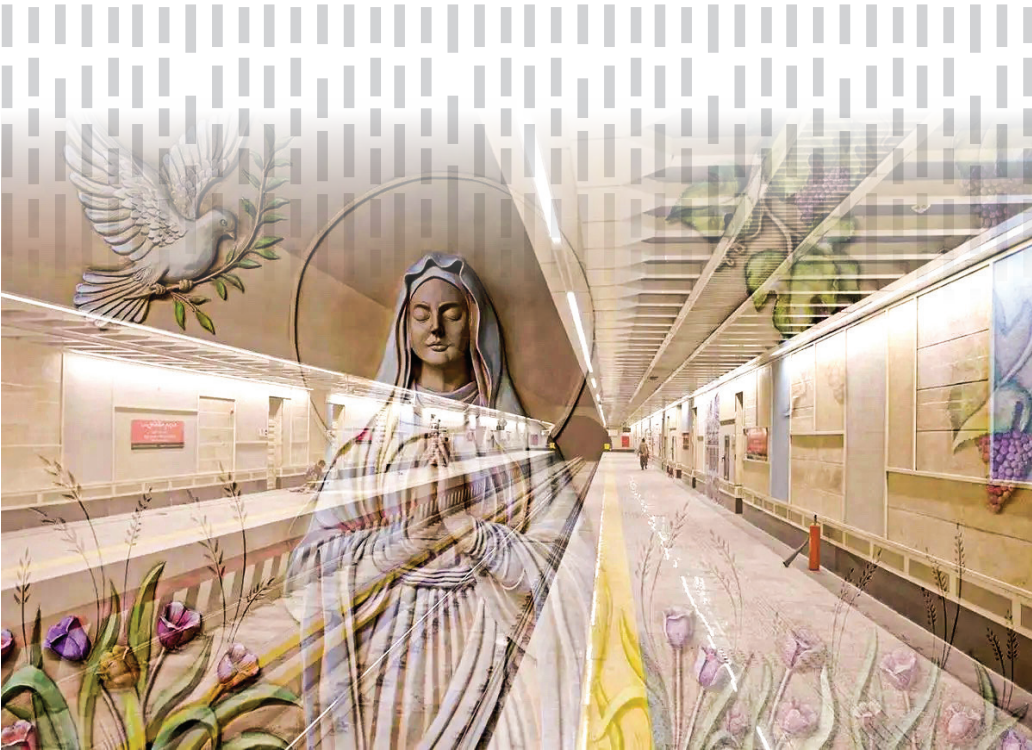
کاربران خارجی شبکه‌های اجتماعی پس از انتشار تصاویر ایستگاه متروی «مریم مقدس (س)» در تهران به‌شدت از آن استقبال کردند و این اقدام تهران را به‌عنوان پایتخت جمهوری اسلامی فوق‌العاده و قابل احترام توصیف کردند. لورا آپولی، نویسنده و کارآفرین در رابطه با این ایستگاه گفت: «رسانه‌های جریان

اصلی غرب همیشه به ما می‌گویند ایران کشوری افراطی است که در آن هیچ دینی جز اسلام اجازه نفس کشیدن ندارد؛ اما تهران یک ایستگاه مترو به نام «حضرت مریم مقدس (س)» و پر از نمادهای مسیحی افتتاح می‌کند و کل آن روایت فرومی‌ریزد.» محمد مامی از پاکستان نوشت: «این همان چیزی است که اسلام واقعی آموزش می‌دهد؛ احترام به همه ادیان، وحدت در عین تنوع و صلح میان انسان‌ها.» حلا جابر، نویسنده در صفحه خود در شبکه ایکس نوشت: «تهران به‌تازگی ایستگاه متروی «حضرت مریم مقدس (س)» را افتتاح کرده که دارای نقاشی‌ها و دیوارنگاره‌های مسیحی است و در نزدیکی کلیسای سرکیس مقدس واقع شده و در خدمت جامعه ارمنی‌های مسیحی ایران با جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفر است. این اقدامی نمادین در راستای هم‌زیستی دینی است. مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان در قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شده و از کرسی‌های ویژه در مجلس برخوردارند و اکنون حتی مترو هم ایسن پیام را منتقل می‌کند. درحالی‌که غرب درباره «رواداری» سخن می‌گوید، تهران بی‌صدا آن را در عمل نشان می‌دهد، حتی در زیر زمین.» یک کاربر روس نیز طی پیامی عکس‌هایی از این ایستگاه منتشر کرد و نوشت: «حلدس یزیند این ایستگاه متروی جدید در کدام شهر اروپایی افتتاح شده است. حلدس نزدیک! یک ایستگاه متروی جدید با نام «مریم مقدس» که با نمادهای مسیحی تزئین شده، در تهران افتتاح شده است.» یک مسیحی آمریکایی نیز گفت: «رسانه‌های غربی همیشه می‌گویند ایران کشوری افراطی است که در آن هیچ دینی جز اسلام نمی‌تواند نفس بکشد؛ اما حالا تهران ایستگاه مترویی به نام «حضرت مریم مقدس» افتتاح کرده که با نمادهای مسیحی تزئین شده و تمام آن روایت را فرومی‌پاشد. آنچه به ما القا شده، حقیقت نیست، پرو پاگانداست!»

### «ایستگاه «مریم مقدس (س)» نسبت هویت وزیرساخت را در تهران بازتعریف می‌کند

ایستگاه مریم مقدس (س)، صرف‌نظر از ابعاد فنی و عمرانی، در لحظه شهری تهران جایگاهی فراتر از یک ایستگاه زیرزمینی خواهد یافت. این پروژه نه صرفاً نماد احترام به جامعه ارمنی یا بازتاب یک تصمیم فرهنگی شهرداری، بلکه تلاشی است برای بازتعریف نسبت میان «هویت» و «زیرساخت» در شهر مدرن. آنچه در طراحی، نام‌گذاری و موقعیت مکانی این ایستگاه قابل مشاهده است، درواقع تبلور ایده‌ای است که سال‌ها در حوزه مدیریت شهری کمتر مچال بروز یافته بود؛ اینکه توسعه، تنها در گسترش خطوط و افزایش ظرفیت خلاصه نمی‌شود، بلکه در توانایی شهر برای بازنمایی تنوع فرهنگی و تاریخی خود معنا می‌یابد.

تهران در دهه‌های اخیر، زیر لایه‌های سیمان و آهن، بخشی از لحظه چنددینی و چندفرهنگی‌اش را پنهان کرده بود. اکنون اما ایستگاه مریم مقدس (س)، ولو در مقیاسی محدود، یادآور آن لایه‌های فراموش‌شده است؛ لایه‌هایی که نشان می‌دهد این شهر پیش از هر چیز، مجموعه‌ای از صداها، باورها و نمادهای گوناگون است. در کشوری که قانون اساسی‌اش اقلیت‌های دینی را به رسمیت می‌شناسد و در مجاورت کلیسایی که چندین دهه یکی از مراکز فعال جامعه ارامنه بوده، چنین پروژه‌ای معنای نمادینی مضاعف دارد. در جهانی که سیاست اغلب زبان گفت‌وگو را به جدال بدل کرده، گاه یک ایستگاه مترو می‌تواند کاری کند که بیانه‌های دیپلماتیک از آن عاجزند؛ ایجاد تصویری واقعی از هم‌زیستی. ایستگاه مریم مقدس (س) در متروی تهران همان نماد است، پیامی که نه فراید می‌زند و نه تبلیغ می‌کند، بلکه در میان عبور قطارها و مسافران شهری حضورش را ماندگار می‌سازد.



را ببخشیم و خودمان را مقصر اتفاقاتی مانند تعرض ندانیم. همچنین شکوری ادعا می‌کند در تنهایی مهاجرت ترو ماه‌های کودکی‌اش دوباره زنده شدند و در بزرگسالی و به قول خودش ۳۱ سال بعد در تاریکی سراسر کودکی‌اش رفت و او را در آغوش گرفت. او معتقد است شرم ابزاری برای تربیت در خانواده‌ها و حتی نظام آموزشی بوده و باعث می‌شود که افراد مورد سوء استفاده قرار بگیرند. صاحب‌کننده یعنی سروش صحت تحت تأثیر اعتراف شکوری قرار می‌گیرد و از او می‌پرسد آیا خودت را بخشیدی؟ شکوری ادعا می‌کند خودش و فرد متعرض را هم بخشیده است. آنچه زنگ خطر این گفت‌وگو است این است که شکوری عنوان می‌کند چیزی که اکنون به آن رسیده و به قول خودش چیزی که الان هست، حاصل آن رنج است. فیلسوفان دین معاصر مانند آرن است معتقدند هولوکاست باب گفت‌وگوی تازه‌ای درباره رنج در فلسفه و به‌طور تخصصی در فلسفه‌ها را باز کرد. پیش از آن فیلسوفانی مانند آگوستین قدیس، لایب نیتس، فلوپین جان هیک، پلاتینا و اکثر فیلسوفان اسلامی از احسن و کامل بودن عالم و نظام هستی دفاع کرده و به تحلیل و توجیه مسئله شر پرداختند. دسته دیگر فیلسوفانی مانند ویلیام و جی ال مکی بودند که مسئله شر را با استدلال‌های وجود خداوند متناقض می‌دانستند. (مقاله کاملیت جهان موجود و مسئله شر در اندیشه ابن‌سینا و ملاصدرا نوشته دکتر منصور ایمانپور)

در میان خدایانوارن، باور رایج بر این است که خداوند فاقد جسم، دارای اراده و هضمیت است و همچنین همه کارتان و همه چیزدان و خیر مطلق است. این خداوند با این ویژگی‌ها جهان را نیز آفریده ولی چاه ویژگی‌هایی دارد؟ یکی از ویژگی‌های غیرقابل انکار این جهان، آمیخته بودن آن به شر است. بیماری‌ها، بلایای طبیعی مانند زلزله و سونامی که باعث مرگ زجرآور، یا خاموش شدن، نافرمان شدن و از دست دادن خویشان و نزدیکان قربانیان می‌شود، ستم و فحاکاری انسان‌ها در حق کلدیگر، درد و رنج حیوان‌ها در طبیعت از جمله مصداقین این شرها هستند. دلیل اینکه این رویدادها را شر می‌نامیم این است که موجب رنج، درد و آزار موجوداتی می‌شوند که توان تجربه درد و رنج را دارند (باری: ۱۳۹۸؛ صص ۲۲-۲۱).

«رنج» واقعیتی است که هر انسانی در طول زندگی خود آن را به تجربه می‌یابد. نگاهی

به تاریخ بشر نیز گواه آن است که زندگی آدمی تقریباً همواره، در همه جا و در هر وضع و حالی همراه با درد و رنج بوده است، تا آنجا که مکاتبی چسبون بودیسم بر مبنای چنین واقعیتی تأسیس شده و به دنبال ارائه نسخه‌ای برای مواجهه با این واقعیت است (ناس، ۱۳۷۰، صص ۲۰۳-۱۷۵) و به برخی لنگرانیان هدف خود را رهایی یافتن از رنج دانسته‌اند (کاپلستون، ۱۳۶۸، ص ۱، صص ۲۴-۲۰). دواوید لورپرون در کتاب در آمدی بر انسان شناسی در رنج در میان نابودی و نوزایی می‌گوید که نظام‌های دینی (ابراهیمی و غیرابراهیمی) تلاش می‌کنند مسئله رنج را در بازنمایی‌سی خود از جهان جاسی دهند و آن را به نگاه‌خدایی یا ایزدان پیوند زنند. ادیان تلاش می‌کنند با معنا دادن به رنج به نوعی آن را توجیه یا فرایند پذیرش آن را ساده کنند. در ادبیات دینی از اسلام گرفته تا مسحیت و یهودیت، رنج جوهره وجود آدمی است و روش روبه‌رویی با آن جنس ارتباط ما با خالق معنی می‌کند. اما آنچه فیلسوفان دین معاصر مانند جان فیتزبرگ و حتی ادبیات دینی به آن باور دارد این است که اساساً رنج فضیلت نیست و فضیلت، صبر روبه‌رویی و مقابله با رنج تحمیل شده است. شکسوری در گفت‌وگوی که با صحت در برنامه اکنون دارد، اما به خوبی می‌داند از کدام واژه به جای چه واژه‌ای استفاده کند تا ترجم بیننده را برانگیزد. شکوری با کمک روانشناسی زردی که سال‌هاست مبلغ و مدرمش است «آسیب اجتماعی» را «رنج»

معرفی می‌کند و نه تنها از آن فضیلت می‌سازد، بلکه آن را فضیلت معرفی می‌کند و فضیلت‌های بدست آمده را مدیون آن می‌داند. شکستن قیج گفت‌وگو درباره تعرض، آزار جنسی و حتی تجاوز به کودکان در رسانه‌سوای از بستر و فرم آن، قابل تحسین است؛ چراکه پیش از فراگیری فضای مجازی تعرض و تجاوز به کودکان دردی بود که سال‌ها زیرقالی پنهان می‌شد، حتی اگر بپذیریم آسیب اجتماعی وارد شده یا زخم ناخواسته شکوری در ۷ سالگی رنج او در این سال‌هاست، آیا جنس روایت او باعث نرم‌الایز یک آسیب اجتماعی نمی‌شود؟ واقعیت این است که جنس روایت شکوری از تعرضش، باعث می‌شود برای بینندگان این امر تلقی شود که لازمه خودآگاهی و رشد فردی، قرار گرفتن در جایگاه قربانی و تجربه یک آسیب اجتماعی است. اینکه ترومایی مانند تعرض در کودکی داشته باشند و از همه بدتر اگر با شرم از آن کنار نینایند، پس خودشان را دوست ندارند. جملات زردی که پشت سر هم با لبخند و آرامش به بیننده خوانده می‌شوند و درنهايت این انتظار می‌رود که این سخنرانی انگیزشی شکوری در پیش چشم چندهزار یا چند میلیون بیننده به افراد جسارت دهد تا با تمام نقائصشان خودشان را ببخشند و خودشان را دوست داشته باشند. به یک سال قبل برگردید. جایی که شکوری با دوربین سلفی خود فیلم اعتراف استفاده از سهمیه را ضبط کرده و ادعا می‌کند: «دروغی که در قسمت اول کتاب باز می‌گوید مثل یک تاریکی او را بلعید.» امری که به گفته خودش پنهان کردنش بسیار زشت‌تر است و اینکه آن امر را به عنوان یک دستاورد جلوه بدید، باز هم یک امر زشتی است. مسئله گفت‌وگوی سروش صحت و شکسوری، اعتراف شکوری به تعرض صورت گرفته نیست. مسئله این است که شکوری با اعترافات خود به دنبال چه چیز است؟ وقتی روانشناسی زرد و سخنرانی‌های انگیزشی و محتوای ساندیدی محبوب فضای مجازی، برایش مخاطب و طرف‌داران خاص خودش را ساخته است، حتی سوای از صحیح و غلط بودنش، چرا شکسوری در تکاپو است تا با اعتراف و پرده برداشتن از پشت پرده‌های زندگی شخصی‌اش، مدام نامش را در رسانه و فضای مجازی مطرح کند و برای خودش یک چهره جدید و به زعم خودش جسور بسازد؟ تبعات اجتماعی اعتراف اول شکسوری تا حدودی ریزش طرف‌دارانش بود. برعکس، نقد بسیاری از افراد به شکسوری این بود که چرا با وجود استفاده از سهمیه خود یک چهره تلاشگر معرفی کرد؟ وقتی خواسته یا ناخواسته در یک شرایط برابر با سایر رقبای خود به رقابت نيزداخته، نمی‌تواند خود را یک قهرمان در یک ماراتن معرفی کند. شکوری یک سال بعد پس از آن اعتراف جلوی دوربین حاضر شد و ماجرای تعرضش را روایت کرد. حالا باید پرسید تبعات اجتماعی روایت یک تعرض جنسی چیست؟ روایتی که نه تنها به عنوان تحلیل از یک آسیب اجتماعی مطرح نشده، بلکه آن را فضیلتی برای دستیابی به فضیلت برتر اخلاقی می‌داند. شکوری در استفاده از رسانه همزمان هم باهوش است و هم کم‌هوش. جایی که می‌خواهد خود را قربانی یک سیستم ناعادلانه معرفی کند تا همگان جسارت و راستگویی‌اش را تحسین کنند، ورق برمی‌گردد و مورد انتقاد قرار می‌گیرد. نقشه تغییر می‌کند. روبه‌روی دوربین قرار می‌گیرد. پس خودش را قربانی فهم سنسیتی از تربیت جامعه معرفی می‌کند. نامش را «شرم» می‌گذارد. تفسیری دوبهلر. سربالا می‌گیرد و از رازی که گفت‌وگو درباره آن احتمالاً توسط اکثریت افراد جامعه، قیج تلقی می‌شود پرده برمی‌دارد. به نظر می‌رسد این نقشه، ترجم جمعی را خواهد برانگیخت و شکوری بهتر بتواند با تغییر واژه «آسیب اجتماعی» به «رنج» نقش قهرمان بگیرد و این گونه سخنرانی‌های زرد انگیزشی‌اش، قابل باورتر می‌شوند.

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

موضوع مزایده: فروش ۲۰۰ تن آهن ضایعاتی پتروشیمی ایلام

شماره مزایده: ILPC-A-۰۴-۰۱۱

**شرکت پتروشیمی ایلام**، به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات، در

نظر دارد مطابق مشخصات درج‌شده در اسناد مزایده، فروش ۲۰۰ تن آهن

ضایعاتی پتروشیمی ایلام را به مزایده بگذارد. لذا بدین‌وسیله از متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌گردد از تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۷ به نشانی‌های زیر

**مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند:**

بخش کمیسیون معاملات/ زیر بخش مزایده

## آگهی مزایده عمومی

متقاضیان موظفند تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ هر سه پاکت‌های الف، ب و ج خود را فقط به‌صورت فیزیکی و در پاکت‌های مهر و موم شده به یکی از دوشنای زیر تحویل دهند. ذکر شماره تماس روی پاکت الزامی است:

۱. **تهران:** میدان شیخ بهایی، پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه هفتم، واحد ۱۰۷، واحد کمیسیون معاملات

۲. **ایلام:** جوار، نرسیده به روستای آژرا، شرکت پتروشیمی ایلام، ساختمان مدیریت- واحد کمیسیون معاملات

بازدید از اقلام مزایده به‌صورت حضوری با درخواست کتبی، بلا مانع است.

مزایده‌گران لازم است توانایی ارائه ضمانت‌نامه شرکت در مزایده به میزان



۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال (پانصد میلیون ریال) را داشته باشند. سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مزایده آمده است.

در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مزایده‌گران می‌توانند با شماره‌تلفن ۰۹۸۳۹۰۰۰۰۰ داخلی ۲۲۱۳/ ۲۲۱۴ با تلفن همرا: ۰۹۹۱۲۰۵۳۳۵ تماس حاصل نمایند.

**آدرس:** ایلام- جوار- نرسیده به روستای آژرا- شرکت پتروشیمی ایلام

**تلفن:** ۰۸۳-۳۸۳۹۰۰۰۰۰ داخلی: ۲۲۱۳/ ۲۲۱۴

**فاکس:** ۰۸۳-۳۷۲۳۹۲۸

**کدپستی:** ۱۵۹۷۰۰-۲۹۳